



[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

تقدیم به فرماندهی گمنامی که  
آرزوی شهادت  
در دلش شعله می کشید  
و به برکت نامش گردهم آمدیم...

848  
۱۰۰۰  
۲۵۶  
ساقی

به کوشش: مصیب معصومیان

# سفت روز دیگر

مجموعه خاطرات شهید مدافع حرم محمدتقی سالخورده

WWW.Ketab.ir



## هفت روز دیگر

مجموعه خاطرات شهید مدافع حرم محمدتقی سالخورده

عنوان و نام پدیدآور: هفت روز دیگر مجموعه خاطرات شهید مدافع حرم

محمدتقی سالخورده/ به کوشش مصیب معصومیان

مطبوعات نشر قم: انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۸

موضوعات ظاهری: ۲۵۶: مصور (رنگی)، عکس (رنگی)؛ ۵/۲۱۰.۵/۱۴

فروست: مدافعان حرم؛ ۱۵

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۰۹-۱۹

روایت: دست نویسی، فیبا

عنوان دیگر: هفت روز دیگر

موضوع: سالخورده محمدتقی، ۱۳۹۵

موضوع: شهیدان مسلمان -- سوره -- سرگذشتنامه

Muslim martyrs -- Biography -- Sura --

موضوع: شهیدان -- سوره -- سرگذشتنامه

Martyrs -- Sura -- Biography

موضوع: شهیدان -- ایران -- فرماندگی -- خاطرات

Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries

رده بندی کنگره: ۳۹۷/BP۵۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۵۸۴۸۰

به کوشش: مصیب معصومیان

نویسندگان: شهید کاظمی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۰۹-۱۹

قیمت: ۲۲/۰۰۰ تومان

صفحه آرایی: محمدعباس زاده

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۰۹-۱۹-۷

تماهی حقوق برای نشر شهید کاظمی محفوظ است

دفتر مرکزی نشر و پخش: قم، خیابان معلم، مجتهد ناشران، طبقه اول،

فروشگاه ۱۳۱، شماره تماس: ۰۲۵۳۷۸۴۰۸۴۲۶

www.manvaketab.ir سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۱۴۱۴۴



<http://i.instagram.com/nashre-shahidkazemi>



<https://telegram.me/nashreshahidkazemi>

# فهرست

- مقدمه ● ۱۱  
اشاره ● ۱۳  
فصل اول / خاطرات کودکی و نوجوانی تا... ● ۱۷  
فصل دوم / مأسوریت‌های داخلی ● ۱۵۱  
فصل سوم / سوریه ● ۱۸۵  
فرازی از وصیت‌نامه شهید ● ۲۳۹  
آلبوم تصاویر ● ۲۴۵

## بیانات امام خامنه‌ای درباره شهدای مدافع حرم

امروز مسئله شهدای مدافع حرم از حرم اهل بیت مطرح است. این از آن ماجراهای عجیب تاریخ است. ما، در دوران جنگ، جوان‌ها را که تشویق می‌کردیم بروید به میدان جنگ اجابت می‌کردند و می‌رفتند امام یک سخنرانی می‌کردند. خیل جوان‌ها راه می‌افتادند و می‌رفتند؛ [اما] امروز ما چنین تشویقی نمی‌کنیم. در عین حال، این انگیزه چقدر قوی است. این ایمان چقدر شفاف است که این جوان از ایران، از افغانستان، از کشورهای دیگر راه می‌افتد. از همسر جوانش، از کودک خردسالش، از زندگی راحتش می‌گذرد. می‌رود در یک کشور غریب، در یک خاک غریب. در راه خدا مجاهدت می‌کند و به شهادت می‌رسد. این چیز کوچکی است؟ قدم به قدم تاریخ انقلاب اسلامی از این شگفتی‌های تاریخ‌ساز به خود دیده است؛ این‌ها شگفتی است.

کلام امام خامنه‌ای علیه السلام مهم‌ترین سند در نقش‌آفرینی رزمندگان شمالی در طول جنگ است:

آنجا که حضرت آقا درباره این لشکر و رزمندگان شمالی می‌فرماید:

لشکر ویژه ۲۵ کربلا یک لشکر قوی، قدرتمند، خط‌شکن و خط‌نکهدار بود. مازندران، رزمندگان و سرداران آن شجاعانه و قهرمانانه و به تعبیر کامل مؤمنانه از دشمن دفاع کردند. مردم مازندران جزو نقطه‌ای از کشور بودند که در همه فداکاری‌های جنگ، جای پای آن‌ها دیده می‌شود.



«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»!

«البته کسانی را که در راه ما تلاش می‌کنند، در پیمودن راه‌های کمال و سعادت کمک می‌کنیم. بیه، خدا در کنار درستکاران است».

او از گردان «صابرین» بود. ریشه در این گردان و این عنوان داشت. از نام این گردان هم مشخص است که در این راه، چه تلاش‌ها و سختی‌هایی را متحمل شد...

شهید محمد تقی سالخورده، در جاهایی از دست پرورده‌های شهید سید جلال حبیب‌الله پور است. شهید جلال که فرمانده گردان صابرین بود، با فرمانده‌اش در میدان جنگ و خودسازی رشد بهتری پیدا کرده و زیر نظر این فرمانده مسئولیت‌های بهتر و بیشتری پیدا کرده بود.

او را که نگاه می‌کردیم، تصویری از یک شهید در قاب چهره او دیده می‌شد. هیچ وقت او را زنده ندیدم. او همیشه برایم شهید بود.

این را بارها با دوستانمان گفته بودم و باور داشتم که او روزی به شهادت می‌رسد که «سالخورده یعنی شهید».

لبخند زیبایی بر لب‌هایش مدام جریان داشت. به شوخی می‌گفتم «کار او ساخته است. باید زمان بگذرد. کی هست را نمی‌دانیم».

در خودش خیلی گوهرها داشت. در هر شرایطی آماده مأموریت بود. در هر شرایطی پیش رو و پیشتاز و شهادت طلب بود. عطر برایش معنا

نداشت. در سخت‌ترین مأموریت‌ها او اولین نفر بود موقع رفتن. هر جا که عطر شهادت می‌وزید او جلودار بود. در زمین راه می‌رفت؛ اما در آسمان‌ها

پرواز می‌کرد. فامیلی اش (سالخورده) به او برازنده بود؛ گویی تاریخ را لمس

۱. عنکبوت، ۶۹.

۲. شهید سید جلال حبیب‌الله پور از شهدای جنگ سوریه است که در منطقه درعا، مورخه ۱۳۹۴/۱/۳۱  
به شهادت رسید و بیکر مطهرش بعد از تفحص مورخه ۱۳۹۷/۶/۲۲ در زادگاهش بابلسر با استقبال کم نظیر مردم قدرشناس در کنار دیگر هم‌زمانش در امام‌زاده ابراهیم به خاک سپرده شد.

کرده بود. گویی عبرت‌ها و درس‌های تاریخ را می‌شناخت. او را که می‌دیدم احساس آرامش می‌کردم. از هر جانبی نگاه می‌کنم، او یک فرشته بود که با چشم‌هایش و لبخندهایش حرف می‌زد و افتخار می‌کردم به او و به امثال او که وجود دارند. برکت یگان مایند.

خط عمار را در خان طومان به او سپردیم. خط خیلی حساس و مهمی بود. او هم آنجا موفق بود و سربلند.

به خدا توکل داشت و به اهل بیت توکل می‌کرد.

من کمتر دیدم؛ اما دوستان از راز و نیاز شبانه‌اش می‌گویند که با وجود کار روزانه سخت و دشوار شب‌های مناجات را از دست نمی‌داد. ساعاتی از شب را راز و نیاز می‌کرد. اشکی داشت و از خداوند شهادت را طلب می‌کرد، عافیت در عقبیت امر را بلاخره حاجتش روا شد. در شنبه بیست‌ویک فروردین هزار و سیصد و نودوپنجم در همان خط عمار بر اثر انفجار خمپاره با ده‌ها ترکش که به سینه و صورتش اصابت کرد.

با شهادت محمدتقی، یکی از زیباترین گل‌های باغ ما چیده شد. بعد از او برای ما سخت و سخت‌تر شد. یکی از الگوهای لشکرمان را ازدست‌داده بودیم و درد فراق گریبانمان را سفت چسبید؛ اما او به آرزوی دیرینه‌اش رسید؛ اما جای او و جای محمود رادمهر، جای سید رضا طاهر، جای عابدینی و کابلی و... خالی است که نمی‌شود اینجاهای خالی را به راحتی پر کرد.

این‌ها قوت بازوی لشکر بودند. کارکردن و جای آن‌ها را پر کردن مشکل است. بدون آن‌ها لطمه‌ای بر پیکر لشکر وارد آمده است؛ اما ما از حرکت نایستادیم. روزبه‌روز محکم‌تر شدیم. ستون‌ها مان محکم‌تر شد؛ به برکت خون سمین شهدا که شأن عظیمشان را نمی‌شود، در قالب کلمات و تصویر بیان کرد. ان شاء الله! ما منحرف نشویم و در مسیر باشیم تا به شهدای عزیزمان پیوندیم.

سردار حمیدرضا رستمیان / فرمانده لشکر ۲۵ کربلا